

میدون و سوفیا

بخشید من زن هستم



✎ **یوریا عالمی**

• - الو... میدون دوم... الو...
سلام سوفیا... سلام عشقم... چی شده؟
- بین من الان کنار اتوبان ایستادم. یک ماشین سوار بومد که یکهو زد رو ترمز و گفت باید پیاده بشوی چون خطرناک هستیید. راننده گفت برای خودت خوبه. من اصلا چون برات ارزش قائل هستم کنار اتوبان پیاده‌ات می‌کنم. این‌طوری آسیب کمتری می‌بینی. این‌طوری آدم می‌شوی.
خُب؟ چی شد؟
- هیچی... کنار اتوبان پیاده‌ام کرد. تا الان ۶۰۰ تا ماشین برام بوق زده‌اند. سه‌تا ماشین هم ترمز کردند و به زور می‌خواهند سوارم کنند. دوبار هم نزدیک بود اتوبوس بزنسد بهم. یک‌بار هم موتوروی خورد بهم که پرت شدم توی جوب بغل اتوبان. خلاصه خیلی به نفهم شد. در همین لحظه هم یک موتوروی آمده جلو می‌خواهد روم اسید پاشد و در برود.
آخیش... خیالم راحت شد. واقعا اگر پیاده‌ات نمی‌کرد و به مقصد می‌رساندت ممکن بود آسیب بیشتری بخوری.
پس تو هم موافقی؟ تو هم خیلی مرد خوبی هستی. من خوشحالم‌که به‌عنوان یک زن، در جامعه‌ای زندگی می‌کنم که مردان دانشمندی مثل تو دارد.
حالا به نظرم سوفیا، تو به‌عنوان یک زن که کنار خیابان رها شدی باید چی‌کار کنی؟
- آهان... داشت یادم می‌رفت. من از کنار اتوبان‌ها، از کنار خیابان‌ها، از کاربران توییتر، از مسئولان، از مردم، از درخت‌ها، از درها، از دیوارها، از صداوسیمّا، از همه مرده‌ا که آنها را به خطر می‌اندازم، از تو، میدون دوم که روی من غیرت داری، به سه دلیل زن‌بودنم عذرخواهی می‌کنم. واقعا من را ببخشید، من زن به دنیا آمده‌ام و زن هستم. اصلا دوست نداشتم این‌قدر هر روز شما مردان، شما عقل‌کامل‌ها را به دردسر بیندازم. ببخشید من زن هستم دست خودم نبود. ببخشید من زن هستم، اما خداراشکر آدم هستم. با این ذهنیت ضدن زن‌نهادینه در عمق وجود و قلبت، ای میدون دوم! خدا را شکر کن که مرد به دنیا آمده‌ای و نیازی نداری آدم باشی.

پس تو هم موافقی؟ تو هم خیلی مرد خوبی هستی. من خوشحالم‌که به‌عنوان یک زن، در جامعه‌ای زندگی می‌کنم که مردان دانشمندی مثل تو دارد.
حالا به نظرم سوفیا، تو به‌عنوان یک زن که کنار خیابان رها شدی باید چی‌کار کنی؟
- آهان... داشت یادم می‌رفت. من از کنار اتوبان‌ها، از کنار خیابان‌ها، از کاربران توییتر، از مسئولان، از مردم، از درخت‌ها، از درها، از دیوارها، از صداوسیمّا، از همه مرده‌ا که آنها را به خطر می‌اندازم، از تو، میدون دوم که روی من غیرت داری، به سه دلیل زن‌بودنم عذرخواهی می‌کنم. واقعا من را ببخشید، من زن به دنیا آمده‌ام و زن هستم. اصلا دوست نداشتم این‌قدر هر روز شما مردان، شما عقل‌کامل‌ها را به دردسر بیندازم. ببخشید من زن هستم دست خودم نبود. ببخشید من زن هستم، اما خداراشکر آدم هستم. با این ذهنیت ضدن زن‌نهادینه در عمق وجود و قلبت، ای میدون دوم! خدا را شکر کن که مرد به دنیا آمده‌ای و نیازی نداری آدم باشی.



پرنده آبی

بی‌کاری روزنامه‌نگار، درآمد گوگل

• **آرتی:** چند روز پیش اعلام شد که گوگل در سال ۲۰۱۸ توانسته مبلغ ۴.۷ میلیارد دلار از طریق آگهی سازمان‌های خبری آنلاین به دست آورد؛ بمبی خبری که بسیاری را بهت‌زده کرد درحالی‌که طبق آمار مؤسسه تحقیقاتی News Media Alliance صنعت خبری آمریکا در سال ۲۰۱۸ از بابت تبلیغات دیجیتال ۵.۱ میلیارد دلار درآمد کسب کرده است.
این مطالعه توسط اتحادیه رسانه‌های خبری نشان می‌دهد که میزان سود هگفت فناوری از کار روزنامه‌نگاران وب و سازمان‌های خبره دیجیتال با کسب درآمد از جست‌وجوی گوگل و Google News است. براساس این مطالعه، حدود ۴۰ درصد از کلیک‌ها در مورد پرس‌وجوها گوگل مربوط به اخبار است که همه آنها درآمدزا هستند.

گوگل برای محتوا مبلغی پرداخت نمی‌کند، اما درآمدش از طریق به‌اشتراک‌داشتن سرتیترها و خلاصه‌های خبری از رسانه‌های مختلف است. این رقمی که اعلام شده، اسباب شگفتی فراوان بوده درحالی‌که کارکنان خبرگزاری‌ها به طور فزاینده‌ای اخراج شدند.

هر پنی‌ای که از این جست‌وجوها به دست می‌آید نتیجه کار روزنامه‌نگاران مکررآمد است که محتوای آثارشان رایگان و باکیفیت بالا و وب‌سایت‌ها عرضه می‌شود. آن چیزی که ناعادلانه به نظر می‌رسد این است که گوگل نشان می‌دهد «همه چیز در مورد هر کسی مورد توجه است» و خوانندگان با کلیک کردن، داستان کامل در اختیارشان است و یکی از کاربران تاکید می‌کند «گوگل مجوز این دسترسی را می‌دهد». در حال حاضر هر رسانه محلی به طور مستقیم با رسانه‌های خبری در سراسر جهان رقابت می‌کند. درحالی‌که در ۱۰ سال گذشته ۳۲ هزار روزنامه‌نگار بی‌کار شدند و فقط در ۲۰۱۸ در آمریکا دوهزارو ۴۰۰ نفر شاغل در حوزه رسانه شغل خود را از دست دادند.



روزنامه شتر

چهارشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۸ • ۸ شوال ۱۴۴۰ • ۱۲ ژوئن ۲۰۱۹ • **سال شانزدهم** • شماره ۳۴۴۸ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • **اذان مغرب ۲۰:۴۲** • **اذان صبح فردا ۴:۰۲** • **طلوع آفتاب ۵:۴۸**

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

✎ **یوگسلاو ولاهوییچ**



یادبود

به یاد مرد خندان از تباطاتی ...

در دولت فخیمه مهروز با حضور بیشترش در دانشگاه مخالفت شد و در سنی که دوست داشت هنوز در میان داشجوها باشد، به خانه رفت و چه چیز سخت‌تر از درخانه‌ماندن برای اهل ارتباطات و روابطعمومی است... دلش گرفته بود؛ برایش گفتم بگذارید کاری کنیم اعتراضی، حرفی، درخواستی؛ گفت نه! دختر! بگذار روالش طی شود خود را به دردسر نینداز... و مهrian و آن لبخند همیشگی را فراموش کرد.
مردی که از شیطنت داشجوهایش لذت می‌برد، دلش غنج می‌رفت و گاه یواشکی همراهی‌شان می‌کرد؛ مثل همان روز که سر امتحانش دیر رسیدیم و با دیدن قیافه ما خنده‌اش گرفت و همراهی‌مان کرد.
برای ما که گرایش روزنامه‌نگاری داشتیم، تاریخ مطبوعات و اصول روابطعمومی درس‌هایی بود که ما را با دکتر عباس‌زاده آشنا کرد. مرد صبور و آرامی که در برابر غرغرها و بی‌بسی‌های دانشجویانش فقط لبخندی می‌زد و آنها را به آرامش دعوت می‌کرد. خاصیت دانش‌جویودن نارضايتی مدام و رؤیای رسیدن به‌دست‌نیافتنی‌ها است و دکتر خوب این را می‌دانست و هیچ وقت در برابر این خصیصه نه ناراحت شد، نه عصبانی و نه ترسید. بچه‌ها حرف می‌زدند، اعتراض می‌کردند، غر می‌زدند، از بی‌سرنجامی مطبوعات گله می‌کردند و دکتر عباس‌زاده تاریخ را ورق می‌زد، از وقایع اتفاقیه و صور اسرافیل می‌گفت و عاقبت جهانگیرخان را با غمی پنهان در گوشمان می‌خواند که مبادا...
زمان گذشت و ما با همه غرها و خستگی‌ها و رؤیاهای و آرمان‌ها به همان جایی رسیدیم که دکتر عباس‌زاده قصه‌اش را بارها گفته بود و این بار اما استاد هم در امان نماند!

فقط لبخندی می‌زد و آنها را به آرامش دعوت می‌کرد. خاصیت دانش‌جویودن نارضايتی مدام و رؤیای رسیدن به‌دست‌نیافتنی‌ها است و دکتر خوب این را می‌دانست و هیچ وقت در برابر این خصیصه نه ناراحت شد، نه عصبانی و نه ترسید. بچه‌ها حرف می‌زدند، اعتراض می‌کردند، غر می‌زدند، از بی‌سرنجامی مطبوعات گله می‌کردند و دکتر عباس‌زاده تاریخ را ورق می‌زد، از وقایع اتفاقیه و صور اسرافیل می‌گفت و عاقبت جهانگیرخان را با غمی پنهان در گوشمان می‌خواند که مبادا...
زمان گذشت و ما با همه غرها و خستگی‌ها و رؤیاهای و آرمان‌ها به همان جایی رسیدیم که دکتر عباس‌زاده قصه‌اش را بارها گفته بود و این بار اما استاد هم در امان نماند!

در حالی که می‌شد از حضورش بیشتر استفاده کرد،

تجربه دیگران

ماجراجویی با هلیکوپتر رویاز

بی‌بی‌سی: ماجراجویی که امیدوار است بتواند اولین کسی باشد که به‌تنهایی با یک نوع هلیکوپتر تفریحی رویاز دور جهان پرواز کند، به نیمه راهش رسید. «جیمز کتچل»، بریتانیایی ۳۷ساله، سفرش را از همیشدر جنوب شرقی انگلستان آغاز کرد و در هفتادمین روز سفر خود در حال عبور از تنگه برینگ و رسیدن به شهر نوم در غرب آلاسکا است. او قرار است از روی کانادا پرواز کند و با گذشتن از اقیانوس اطلس از گرینلند، ایسلند و

انجام هر کار جمعی در نوع خود نشان از توانمندشدن شهروندان دارد. به این مفهوم که شهروندان با از طریق حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی با نهادهای جمعی به سطح و درجه‌ای از قابلیت رسیده‌اند که می‌توانند با راه‌اندازی حرکت‌های جمعی (کمپین) خواست و اراده خود را چه در سطح جامعه و چه در سطوح دیگر به کرسی بنشاندن. این توانایی و توانمندی در دو سطح باید خود را نشان دهد.

اول: داشتن ظرفیت‌های امکان کار جمعی مانند رسانه یا سامانه‌های مجتمع که شامل مؤسسات و نهادهای سازمان‌های رسمی و غیررسمی هستند.
دوم: شناخت موضوعات و اقتضائاتی که امکان برگزاری کمپین یا کار جمعی در راستای قبول یا رد آن موضوعات وجود داشته باشد.

ممکن‌ترین امکان برای برگزاری حرکت‌های جمعی در ایران شبکه‌های اجتماعی یا فضای مجازی است. اگر قرار

میترا امام: بیست‌وسوم خرداد مصادف با روز جهانی لغو کار کودک است، جا دارد نگاهی به وضعیت کودکان کار انسان‌های محروم از کودکی بیندازیم. پیمان‌نامه حقوق کودک در سال ۱۳۷۹ توسط کشور ما پذیرفته شد و این گامی بزرگ در جهت توسعه پایدار بود. ان‌جی‌اوه‌ای حامی کودکان با تلاش بی‌وقفه در جهت تصویب پیمان‌نامه و دفاع از حقوق کودکان به پا خاستد و با فعالیت‌های خود الگوی موفق‌ی در راستای جذب کودکان کار به آموزش و مددکاری خانواده آنان ارائه دادند و فریاد کردند که می‌شود کودک را از خیابان به مدرسه برد. در حالی که لغو کار کودک نه در توان ان‌جی‌اوها و نه وظیفه آنهاست. در این سال‌ها مسئولان دولتی نیز با طرح‌های مختلف وارد غرصه شدند.
طرح‌هایی از قبیل «جمع‌آوری کودکان کار و ساماندهی آنان»، البته این طرح پس از هشت سال به نام «آیین‌نامه حمایت اجتماعی از کودکان» بازنگری و تکمیل شد که متأسفانه هیچ‌وقت به مرحله اجرا نرسید. در این طرح‌ها:

۱- کودکان توسط شهرداری، بهزیستی و نهادهای دیگر دستگیر شده و به مراکز بین‌راهی بهزیستی ارجاع داده شدند. در این راستا دادگاهی تشکیل می‌شد و تصمیم می‌گرفتند کودک را با تعهد والدین مبنی بر عدم تکرار کار به خانه برگردانند یا کودک را به مراکز شبانه‌روزی ب‌سپرنند که البته گنجایش شبانه‌روزی‌ها بسیار کمتر از تعداد کودکان است و گرمای خانواده با همه کاستی‌هایش برای رشد کودک از هر مرکز شبانه‌روزی‌ای مناسب‌تر است مگر در موارد خاص!
بسیاری از کودکان کار در خیابان بارها به این مراکز برده شده و با تعهد والدین به خانه برگشته‌اند و نتیجه این کار ائتلاف نیرو و بودجه، وجود ترس در کودکان و فرار آنان از نیروهای انتظامی است، در نتیجه کودک نیروی انتظامی را نه حامی خود بلکه معارض با خود می‌بیند و در مقابل متجاوزان به حقوقش فقط سکوت می‌کند. گاهی متأسفانه تنها و بی‌کس از مرز رد می‌شوند و رهاکردن کودک بی‌پناه در کشوری که جنگ وجودش را می‌پزاند، ضد پیمان‌نامه حقوق کودک است. طرح‌هایی مانند «مستمان امن» توسط شهرداری برای کودکان نیز اجرا شده‌اند که در آن با دادن شال و کلاه به کودکان کار در خیابان می‌خواستند زمستان را برایشان امن کنند. طرح دادن کمک‌هزینه تحصیلی نیز دردی از کودکان

سلام به فردا

حرکت جمعی؛ خواسته مردم یا کارتل‌های اقتصادی

است مردم شرکتی را تحریم کنند و گروه‌های اجتماعی و رسانه‌ها و نهادهای این تحریم را دنبال کنند، باید دید این «نه» و «تحریم» چقدر ظرفیت تبدیل‌شدن به یک اراده جمعی را دارد. در واقع چقدر این امکان، قابل تحقق است. طبیعتا درحال‌حاضر وجود چیزی که یک ضرورت محسوب می‌شود، به‌سختی قابل حذف‌شدن است. برای ایجاد حرکت جمعی باید قاعدتا اراده جمعی وجود داشته باشد و شهروندان بتوانند بدون استفاده از محدودیت آن فعالیت را دنبال کنند. اگر بخواهم موضوع را جمع‌بندی کنم، این ملاحظات به نظر می‌رسد؛ اما مهم‌ترین مسئله‌ای که نباید فراموش کرد، این است که حرکت‌های جمعی در ایران که شکل نمی‌گیرد یا شکست می‌خورد، به نگاه امنیتی به آن برمی‌گردد. نگاهی که به حرکت جمعی می‌شود و مانند یک تهدید امنیتی با این نوع خواسته‌ها روبه‌رو می‌شوند. نکته دیگر فقدان سامانه‌ها و نهادهای رسمی یا غیررسمی مؤثر و نهادهای مدنی است که ظرفیت ساماندهی داشته باشند و از برنامه‌ریزی و استراتژی پیش‌برنده برخوردار باشند. در کنار این مسائل به نظر می‌رسد با توجه به فقدان این ظرفیت‌ها و مشکلات خاص آن در مواردی، این خواسته‌های جمعی و حرکت‌های مدنی با موفقیت‌های نسبی روبه‌رو شده است.

به بهانه روز جهانی لغو کار کودک

رؤیای دست‌نیافتنی

تأمل کرد. کودک همراه پدرش در جایی مثلا مغز فروشی کار می‌کند. او به راحتی تحکم کارفرما را بر پدر می‌بیند و می‌داند که در مقابل کارفرما، پدر نمی‌تواند حامی او باشد. پس مطیع بی‌چون‌وچرای او می‌شود؛ روابط بین کارفرما و کودک، جایی که کودک مجبور است بیتوجه کند و کودکی که بدون حمایت خانواده فقط برای کار مهاجرت کرده است، حق خوبی ندارد. مسئله این است که تعرض و تجاوز به حقوق کودک به راحتی صورت می‌گیرد و هر بار گره‌ای در وجودش شکل می‌گیرد. گره‌هایی که روزی سرر باز خواهد کرد و دامن خود و جامعه‌اش را خواهد گرفت. متأسفانه هزینه بسیاری خواهد داشت. خیلی بیشتر از اینکه الان دست به کار شویم و به حل مشکلات بپردازیم. متأسفانه تعداد کودکان کار و ازدیاد مشاغل آنان هستیم. از این کودکان از حمل بار تا فروش مواد استفاده می‌شود و متأسفیم که بگویم سوگوارستانده‌های دیگر را نیز باید به اینها اضافه کنیم. بارها از ما می‌پرسند در مقابل کودکان کار چه کنیم؟ از آنها خرید کنیم یا نه؟ به آنها غذا بدهیم یا نه؟ سؤال پیچیده‌ای است، چون با انسان سروکار داریم نمی‌توان حکم قطعی داد. پیشنهاد این است؛ اولاً کودک را از فروشندگی یا بدل و بخشش بجای خود به کدایی سوق ندهیم. مثلاً عده‌ای پول می‌دهند و می‌گویند فال ما خودت. دوم اینکه کودک به توجه شما بیشتر از پول شما نیاز دارد، با او گفت‌وگو کنید. تلاش کنید با آنها ارتباط برقرار کنید؛ شاید شما بتوانید پلی باشید تا او حلقه گمشده زندگی‌اش یعنی کودکی‌اش را پیدا کند. اگر در این رفتار شما، کودک به شما اعتماد کند، شاید بتوانید با پیدا کردن شغلی مناسب برای والدینش و ایجاد فرصت آموزشی برایش مشکلات او را کم کنید. البته کودک کار فقط در خیابان نیست. کودکان در کارگاه‌ها گاهی بیشتر از ۱۲ ساعت در روز کار و در همان جا زیست می‌کنند. ایران ما عهده‌ای مع بدترین اشکال کار کودک را امضا کرده ولی کدام مسئولیت تهرانی است که کودکان سرفرورده در سطل‌های زباله را ندیده باشند؟ این کودکان در دبوهای تفکیک زباله کار و زیست می‌کنند. تیمارداری اسب، سگ‌گیری و شغل‌های این‌چنینی همه جزء بدترین اشکال کار کودک هستند. کودکان یا کمی چربی و ماهیچه، همراه ترس و دلهره وارد باغات می‌شوند و با سوسمه سگ، او را به دام می‌اندازند و این همه برای کسب لقمه نانی بیش نیست. صحبت از انواع کار کودک هدف من نیست؛ در لایه‌های پنهان این کار باید

کودکان در بحران-۲

مشارکت مردمی

بنی‌آدم اعضای یک پیکرند
در موقعیت‌های بحرانی، به‌ویژه اگر بحران در سطح گسترده و زمانی طولانی باشد، سازمان‌های ملل متحد و کشورهای عضو موظف‌اند به کشورهای بحران‌زده کمک کنند. این کمک‌ها می‌تواند به‌صورت مالی، انباری، ارائه تجریبات، کارشناسی... و... باشد. کشور ما در موقعیتی از نظر جغرافیایی قرار دارد که در معرض انواع بحران‌های طبیعی است و به همین علت جا دارد که نظام درست مدیریت بحران تشکیل و تقویت شود تا در کاهش بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از آنها با مشارکت همه مردم، مؤثر باشد و خود به نظام «بحران مدیریت» تبدیل نشود.

بی‌نوشته:

قسمت اول این یادداشت دیروز در همین صفحه منتشر شد. ایشان امروز چهارشنبه ۲۲ خرداد ساعت ۱۷ در نشست واکاوی پدیده کار کودک در ایران در دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران حضور دارد و برنامه‌های سازمان‌های دولتی در ارتباط با کار کودکان را بررسی خواهد کرد. در این نشست دکتر روح‌الله نصرتی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، به موضوع ارزش کار و کار به مثابه کالا خواهد پرداخت و دکتر پیام روشن‌فکر، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، درباره ابعاد کار کودک در ایران سخنرانی خواهد کرد.

جسمی – روانی آسیب‌دیدگان و عوارض منفی آنها بکاهد.

نقش داوطلبان و تشکلهای غیردولتی:

سازمان‌های غیردولتی و نیروهای داوطلب در حوزه‌های تخصصی خود نقشی اساسی در کاهش آسیب‌های بحران‌ها دارند به طرطی که با برنامه‌ریزی، مشارکت و هماهنگی با مدیریت صحیح بحران‌ها با شد. در غیر این صورت نه‌تنها به کاهش آسیب‌های ناشی از بحران‌ها کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند موجب بی‌نظمی، ناهماهنگی، دوباره‌کاری و... شود. فعالیت‌های اثرگذار داوطلبان و تشکلهای غیردولتی در چارچوب نظام مدیریت درست بحران، امکان‌پذیر است.

نقش دولت‌ها در بحران‌ها: دولت‌ها از آنجا که بیشترین امکانات مالی، قانونی، سازمانی و... را در اختیار دارند، مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل مداخله در بحران‌ها هستند. دولت‌ها باید با ایجاد نظام درست مدیریت بحران در همه مراحل، از پیشگیری تا رفع عوارض ناشی از بحران در حوزه‌های فردی و اجتماعی، مداخله مؤثر و به‌موقع داشته باشند. بدیهی است این مسئولیت بزرگ، نافی مشارکت‌های مردمی در بحران‌ها، به‌صورت درست و برنامه‌ریزی‌شده نخواهد بود.

نقش سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای دیگر:

در بحران‌ها: به مصداق شعر سعدی شاعر بزرگ ایرانی که در سالن بزرگ سازمان ملل نوشته شده:



✎ **آذر منصوری**



✎ **فاطمه قاسم‌زاده**

✎ **روان‌شناس کودک**

نقش مراکز آموزشی در بحران‌ها

مراکز آموزشی موقعیت‌های مناسبی برای حضور، فعالیت، مشارکت، بازی و... در ارتباط با کودکان فراهم می‌کنند به همین علت راه‌اندازی سریع آنها برای کودکان و خانواده‌های آنان از اهمیت خاصی برخوردار است و به‌صورت مؤثری در کاهش و حتی پیشگیری از آسیب‌های جسمی، روانی و عاطفی ناشی از بحران‌ها، اثربخش است. بدیهی است که در روزهای اولیه از آموزش رسمی که معمولاً جذابیتی برای کودکان ندارد، خودداری می‌شود.

نقش گروه‌های درمان در بحران‌ها: منظور از گروه‌های درمان، مشاوران، روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی، پزشکان و روان‌پزشکان هستند. بحران‌ها همیشه با آسیب‌های جسمی و روانی برای مردم همراه هستند به‌خصوص وقتی گسترده و طولانی باشند؛ مانند سیل اخیر در استان‌های کشور که نیاز جدی و فوری به درمان‌های دارویی و روانی دارد. حضور گروه‌های درمان از ابتدای بحران در مناطق مربوطه ضروری است تا از عمیق‌ترشدن مشکلات